



بازی با برگ برنده روسیه



محمد صادق امینی

هشدار داده در صورت موافقت اروپا با استقرار سامانه سپر دفاع موشکی، موشک‌های هسته‌ای‌اش را به سوی برخی اهداف اروپایی نشانه‌روی می‌کند، ولی واقعیت این است که در صورت استقرار چنین سیستمی در نزدیکی مرزهای روسیه، آمریکا اروپای غربی را از تیررس موشک‌های روسی دور می‌کند و با این سیستم‌های راداری کل روسیه اروپایی را در معرض شناسایی راداری قرار می‌دهد.

به باور کارشناسان مسایل بین‌المللی این سیستم بیشتر از آن که برای دفاع از اروپا طراحی شده باشد، در حقیقت ابزاری برای کنترل هر چه بیشتر روسیه است. برای روشن‌تر شدن این موضوع بهتر است نگاهی به دکترین نظامی روس‌ها در دوران پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انداخته شود. در آن دوره دکترین روسیه در حوزه نظامی این بود که آنها اولین قدرتی نخواهند بود که از سلاح هسته‌ای استفاده می‌کنند اما از سال ۱۹۸۷ به بعد دیگر این گونه نیست. چرا که در گذشته، روس‌ها ۱۰۰ هزار تانک مستقر در اروپای شرقی داشتند که در هر جنگ غیرهسته‌ای می‌توانستند اروپای غربی را تصرف کنند.

در آن زمان به نوعی گفته می‌شد که اروپای غربی گروگان روسیه در معادلاتش با اروپاست. ولی از سال ۱۹۹۱ به بعد تسلیحات نظامی روسیه در اروپا کاهش یافت و امروز حتی اوضاع برعکس شده است. اروپای شرقی از کنترل روسیه خارج است و این بار

که جزو مناطق حیاتی برای روسیه محسوب می‌شوند در معرض هجوم غرب قرار گرفته‌اند؛ تلاش آمریکا برای استقرار سپر موشکی به لحاظ روانی روسیه را مورد تهدید قرار داده است. برای درک این تهدید کافی است واکنش واشنگتن را در زمانی تصور کنید که فکر نصب سیستم دفاع موشکی در مرزها یا نزدیکی مرزهای ایالات متحده به ذهن رهبران یکی از کشورهای چین، روسیه یا ایران خطور کند. در چنین موقعیت غیر قابل‌تصور، واکنش شدید و خشونت‌آمیز آمریکا نه تنها حتمی بلکه بنا بر دلایلی کاملاً واضح و قابل‌درک، چنین واکنشی از سوی آمریکا کاملاً منطقی است. هر چند که در حال حاضر ظرفیت این سامانه‌ها محدود است اما به لحاظ روانی و در معادلات استراتژیک برتری روسیه را در اروپا زیر سؤال می‌برد.

اگر امنیت ما به خطر بیفتد از سلاح هسته‌ای استفاده می‌کنیم

هر چند که واشنگتن به توجیحات خود برای جلب موافقت مخالفین استقرار سپر دفاع ضد موشکی در اروپا ادامه می‌دهد و همچنان مدعی است که اروپا و حتی خود روسیه در معرض برد موشک‌های ایرانی قرار دارد، ولی کارشناسان مسایل بین‌المللی می‌گویند که نصب سیستم دفاع موشکی در شرق اروپا از سوی ایالات متحده آمریکا حقیقتاً به معنای اعلام جنگ سرد است. با وجودی که مسکو

مقامات سیاسی و نظامی کاخ سفید با دست گذاشتن بر روی موضوع "سپر دفاع موشکی" بر روی تنها برگ برنده روسیه در دنیای امروز دست گذاشته‌اند. در دنیایی که در آن روسیه نفوذ چندانی در عرصه مسایل بین‌المللی ندارد و از اقتصادی قدرتمند و ظرفیت‌های داخلی گسترده‌ای برخوردار نیست، تسلیحات هسته‌ای تنها برگ برنده مسکو به شمار می‌آیند. امروز آمریکایی‌ها با تلاش برای استقرار این سیستم در کنار مرزهای شرقی روسیه و گستراندن آن به سایر نقاط دنیا، در واقع روس‌ها را بیش از پیش در معرض هجوم سیاسی، امنیتی و نظامی غرب قرار داده‌اند. در شرایطی که روسیه‌ی امروزی در حالت تخاصم با اروپا قرار ندارد، از اروپای شرقی عقب‌نشسته و ناتو تا مرزهای آن در منطقه بالتیک پیشرفته، جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز عضو شورای اروپا شده‌اند، مطبوعات و رسانه‌های غربی در آسیای مرکزی و قفقاز فعال شده‌اند، سیاستمدارانی با گرایش‌های کاملاً آمریکایی در جمهوری‌هایی نظیر گرجستان اوکراین و قرقیزستان روی کار آمده‌اند و تمام مناطقی

اروپا تا مرزهای روسیه و حتی در برخی موارد به داخل مرزهای روسیه نیز نفوذ کرده و لذا مسکو از سال ۱۹۹۳ و بعد در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳ و در سال ۲۰۰۷ مرتباً تکرار کرده است که اگر امنیتش به خطر بیفتد از سلاح هسته‌ای استفاده خواهد کرد. به عبارتی آستانه به‌کارگیری سلاح هسته‌ای از طرف روسیه کاهش پیدا کرده و در چنین فضایی است که

را هدف قرار دهد و آنها توانایی رسیدن به هر نقطه‌ای از خاک جهان را دارند؛ ولی اظهارات مقامات کاخ سفید در خصوص گسترش طرح سپر موشکی آمریکا به ۱۵ کشور دیگر علاوه بر جمهوری چک و لهستان نشان می‌دهد که واشنگتن نیت بسیار بزرگتری از آنچه اعلام کرده دارد و چنین چیزی در صورت تحقق، توانایی استراتژیک یگان‌های موشکی روسیه

سلطه‌طلبی واشنگتن مقاومت کند، ولی مقاومتی نرم. سیاست خارجی روسیه در قبال آمریکا براساس مقاومت در برابر سلطه‌طلبی این کشور طرح‌ریزی شده است البته نه آن گونه که روسیه را در موضع مقابله و رویارویی با آمریکا نشان دهد بلکه از آن جهت که از نفوذ روسیه در معادلات جهانی نکاهد و در تحولات جهانی به حاشیه رانده نشود. روس‌ها همیشه سعی کرده‌اند در ابتدا تلاش و

مقاومت کنند ولی در نهایت هیچ وقت از مشارکت در موضوعات با غرب دوری نکرده‌اند. از نگاه دولتمردان روسی منافع روسیه در گرو حفظ موقعیت و قدرت روسیه و افزایش نقش روسیه در معادلات جهانی از حوزه پیرامونی‌شان گرفته تا دیگر نقاط است. برای مثال درباره کوزوو، روسیه هیچ وقت قطعنامه حمله نظامی به کوزوو را نپذیرفت اما زمانی که حمله انجام شد، روسیه اولین کشوری بود که نیروهای حافظ صلحش را در کوزوو مستقر کرد. در قضیه عراق هم سیاست روسیه همین گونه بود. روس‌ها هم در تلاشند از پیشروی غرب جلوگیری کنند و هم این که به نوعی همکاری کنند چرا



که در بسیاری از موارد منافع مشترکی با غرب دارند. روسیه قابل به این نیست که باید در مقابل غرب بایستد و هزینه این مقابله را نیز بپردازد. بلکه سیاست روسیه این است که روسیه منافع دارد و اولین آنها حفظ امنیت فدراسیون روسیه است و این وابسته است به حفظ امنیت روسیه در جمهوری‌های پیرامونی. و دوم جلوگیری از خنثی شدن برتری‌های نظامی روسیه و سوم نفوذ روسیه و بازارهای تجاری روسیه در خاورمیانه، بالکان، شرق آسیا و حتی در آمریکای لاتین و آفریقا، تا روسیه درآمدهایی از قبیل فروش تکنولوژی‌های نظامی داشته باشد.

نگاهی به سیاست‌های روسیه در چند سال اخیر نشان می‌دهد که سران کاخ کرملین برای در پیش گرفتن راهی برای دوباره مطرح کردن روسیه به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی و نظامی، هوشمندی و زیرکی خاصی در پیش گرفته‌اند. به همین علت روسیه سعی کرده بدون این که روابطش را با دیگر کشورها به چالش‌های جدی بکشاند، خواسته‌های خود را دنبال کرده و در برابر خواسته‌های دیگر کشورها (آنجا که با آنها مخالف است) مقاومت کند. در همین راستا بود که ولادیمیر پوتین

را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. هر چند که موشک‌های روسی، امروزه می‌توانند بر سپر دفاع موشکی فعلی آمریکا غلبه کنند، ولی آیا روسیه در ۱۵ سال آینده که تجهیزات ارتش آمریکا در چک و لهستان و دیگر کشورها، دیگر سامانه‌های موشکی معمولی نیستند و بخشی از سامانه دفاعی جهانی شده‌اند، باز هم خواهند توانست از پس سپر دفاع موشکی آمریکا برآیند؟ روسیه در صورتی که پایگاه‌های سپر دفاع موشکی آمریکا در کشورهای چک و لهستان دو سامانه معمولی باشند، هیچ نگرانی ندارد ولی اگر ایده "دفاع ضد موشکی جهانی" روزی تبدیل به واقعیت شود، قابلیت موشک‌های هسته‌ای چین و روسیه و حتی سایر کشورها به شدت ناکارآمد خواهد شد.

روسیه: جسور اما زیرک

به باور کارشناسان، روسیه‌ی امروزی در موضع مقاومت قرار گرفته است. از نگاه روسیه، تمام مناطقی که جزو مناطق حیاتی برای این کشور محسوب می‌شود در معرض هجوم غرب قرار گرفته است. مسکو در عین حال سعی می‌کند که در برابر

با استقرار سامانه دفاع موشکی برتری روسیه کاملاً زیر سوال می‌رود.

۱۵ سال آینده را باید دید

به باور کارشناسان سیاسی و نظامی روسیه، نمی‌توان مساله استقرار سیستم‌های ضد موشکی آمریکا در کشورهای چک و لهستان را به طور مجزا بررسی کرد زیرا این مساله به خوبی آشکار است که این بخشی از سامانه فراگیر عملیات موشکی ارتش آمریکاست که پایگاه‌های هوایی آلاسکا، ایستگاه‌های ردیابی در انگلیس و گرینلند، سیستم‌های سیار ضد موشکی ایجیس در اروپای غربی و سفینه‌های فضایی جاسوسی را شامل می‌شود. به عقیده روس‌ها استقرار گسترده سیستم‌های دفاع موشکی عاملی بی‌ثبات‌کننده است و در چنین شرایطی از نقطه نظر نظامی روسیه باید راه‌های خنثی‌سازی چنین تهدیدهای بالقوه‌ای را با استفاده از ابزار نظامی لازم تدارک ببیند. ژنرال‌های روسی در اظهارات خود بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند که هیچ سیستم دفاع موشکی نمی‌تواند مجموعه‌های موشکی سیار زمینی "توپول ام" روسیه

سیاست‌های سلطه‌جویانه دولت بوش را به سیاست‌های جنگ‌طلبانه آلمان نازی تشبیه کرد. همچنین پاسخ شدید پوتین به برخی انتقادات غربی‌ها در خصوص نبود آزادی مطبوعات در روسیه را نیز می‌توان در همین راستا مورد بررسی قرار داد. البته این پایان ماجرا نیست، پوتین در برخی مسایل اساسی دیگر نیز، در موضع اختلاف با غرب قرار گرفته است؛ مسایلی نظیر استقلال کوزوو و استقرار سپر موشکی آمریکا در کشورهای لهستان و جمهوری چک مهمترین مسایلی هستند که روسیه کماکان درباره آنها با غرب اختلاف نظر خواهد داشت. حتی اختلاف نظر روسیه با غرب درباره سامانه دفاع موشکی به جایی رسیده که مسکو تهدید کرده در پاسخ به استقرار این سامانه، موشک‌های روسی اروپا را هدف قرار خواهند داد. اما امروز بوش نیز به خوبی دریافته که روسیه در مسیر خود برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت مصمم است. لذا بسیاری از تحلیلگران دعوت ماه گذشته بوش از پوتین برای دیدار در تفرجگاه ساحلی خانواده بوش را حرکتی نمادین نام نهاده‌اند. "سر رودریک بریثویت"، سفیر سابق انگلیس در مسکو در خلال سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ که آخرین کتابش درباره شکست دولت شوروی در افغانستان است، معتقد است: "آمریکا از پوتین ناامید شده اما روس‌ها از مواضع پوتین حمایت می‌کنند چرا که مواضع وی بار دیگر حس قدرت را در مردم روسیه زنده کرده است. امروز روسیه بار دیگر برخاسته است و پس از سال‌ها ضعف، نقاط قوت بسیاری دارد". از این منظر بسیاری از تحلیلگران دیدار غیر رسمی بوش و پوتین را از موضع ضعف ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار می‌دهند و معتقدند این دیدار به دلیل به صورت غیررسمی برگزار شد که امیدی به دستیابی به توافق درباره موضوعات مورد مذاکره در آن نمی‌رفت.

سپر دفاع موشکی: نقطه‌ای بر پایان بشریت

"نوام چامسکی" زبان‌شناس و نواندیش بزرگ آمریکایی از جمله کسانی بود که پس از فروپاشی نظام اتحاد جماهیر شوروی هشدار داد که واشنگتن سعی خواهد کرد برای پیشبرد اهداف سلطه‌جویانه‌ی خویش به دنبال دشمن جدیدی در عرصه بین‌المللی بگردد. وی در حال حاضر یکی از بزرگترین منتقدان



دولت آمریکا در داخل این کشور محسوب می‌شود که به شدت مخالف تلاش واشنگتن برای گسترش این سامانه در مرزهای اروپاست. وی در مقاله‌ای که در سایت اینترنتی Zent درباره سامانه دفاع موشکی نگاشته در این خصوص هشدار داده است: نصب سیستم دفاع موشکی در شرق اروپا از سوی ایالات متحده آمریکا حقیقتاً به معنای اعلام جنگ سرد است. همه به خوبی می‌دانند که سیستم دفاع موشکی، سیستمی تهاجمی است که از آن با نام First Strike Weapon یا "سلاح تهاجم اولیه" یاد می‌شود. این استدلال برگرفته از تحلیل‌های مقامات ارشد نظامی ایالات متحده آمریکا است که می‌گویند "سیستم سپر موشکی نه تنها یک سامانه دفاعی است، بلکه قابلیت حمله را نیز داراست". در واقع این سامانه موشکی اجرای برنامه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا را در خارج مرزها، تسهیل می‌کند یا به قولی "هدف اصلی سامانه دفاع موشکی محافظت از آمریکا نیست بلکه این سیستم تنها ابزاری برای سلطه جهانی است". این سامانه حافظ توانایی‌های آمریکا برای کنترل دیگر کشورها است. این سامانه برای دفاع نیست بلکه هدف تهاجم است و این دقیقاً همان چیزی است که آمریکا به آن نیاز دارد.

استدلال برای اثبات سلطه‌جویانه بودن این طرح بسیار ساده و قابل درک است. وقتی شما کنترل چنین سیستمی را در اختیار داشته باشید در جایگاهی قرار خواهید گرفت که می‌توانید در برابر هر هدف

بالتوجه‌ای ایستاده و هشدار دهید که "ما هر زمان که بخواهیم به شما حمله خواهیم کرد و شما نخواهید توانست تلافی کنید. بنابراین ترساندن ما بی‌فایده است". این سیستم به بهانه محافظت اروپا از آنچه آمریکا از آن به عنوان خطر موشک‌های ایرانی یاد می‌کند، به اروپایی‌ها فروخته شده است. حتی اگر فرض کنیم که ایرانی‌ها سلاح هسته‌ای داشته باشند یا موشک‌های دوربرد در اختیار داشته باشند، باز هم احتمال مورد تهدید قرار گرفتن اروپا از سوی ایران بسیار کمتر از احتمال مورد تهدید واقع شدن اروپا توسط یک شهاب آسمانی سرگردان است. بنابراین اگر مساله تنها دفاع است، بهتر است جمهوری چک سیستمی نصب کند که توانایی دفاع از این کشور را در برابر شهاب‌های سرگردان داشته باشد. بنابراین این سیستم که توانایی وارد آوردن ضربه اولیه را داراست با هدف نشانه رفتن ایران در اروپای شرقی تاسیس شده است و به این ترتیب ایالات متحده آمریکا بار دیگر با تخطی آشکار از منشور سازمان ملل متحد، کشور دیگری را مورد تهدید قرار می‌دهد. زمانی که میخائیل گورباچف، رییس‌جمهور شوروی سابق پذیرفت که به یک آلمان متحد اجازه پیوستن به یک اتحادیه نظامی متخاصم را بدهد؛ در واقع تهدیدی بسیار جدی را برای امنیت روسیه، پذیرفت. در عوض دولت ایالات متحده آمریکا متعهد شد که ناتو را تا مرزهای شرقی اروپا گسترش ندهد. اما این تعهد چند سال بعد زیر پا گذاشته شد و در غرب حرف و حدیث‌هایی هم به دنبال داشت اما باعث شد که تهدید تقابل نظامی افزایش یابد. امروز نیز این سامانه به اصطلاح تدافعی زنگ خطر جنگی دیگر را به صدا درآورده است. "دفاعی که این سیستم مهیا می‌کند عبارت است از افزایش خشونت در خاورمیانه- که عواقب غیرقابل پیش‌بینی به دنبال خواهد داشت- و همچنین افزایش رقابت در زمینه سلاح‌های هسته‌ای".

بیش از نیم قرن پیش، "برتراند راسل" و "اینشتین" تقاضانامه‌ای غیرعادی را برای مردم سراسر جهان منتشر کردند که در آن به آنها درباره مواجهه با شرایطی خشونت‌آمیز و وحشتناک که نمی‌توان از آن فرار کرد، هشدار داده شده بود. در آن تقاضانامه آمده بود: "آیا باید نقطه‌ای بر پایان بشریت ترسیم کنیم یا این که بشر نقطه‌ای بر پایان سناریوی جنگ، ترسیم کند؟" و امروز پذیرفتن سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا به معنای رسم نقطه‌ای بر پایان بشریت در آینده‌ای نه چندان دور است.